

دفتر مطالعات مالی و حسابداری مدیریت

تعریف کنترل داخلی

کنترل داخلی فرآیندی است به منظور کسب اطمینان معقول از تحقق اهدافی که توسط هیأت مدیره، مدیریت و سایر کارکنان یک واحد اقتصادی برقرار می‌شود. این اهداف در سه گروه اصلی زیر دسته‌بندی می‌شوند:

۱- اهداف عملیاتی- این اهداف به اثر بخشی و کارایی مرتبط است و به عملکرد، سودآوری و نیز حفاظت دارایی اشاره دارد.

۲- اهداف گزارش دهی مالی- این اهداف به تهیه صورت‌های مالی قابل اعتماد شامل صورت‌های مالی میان دوره‌ای فشرده و گزیده‌های استخراج شده از این صورت‌ها مربوط است.

۳- اهداف رعایتی - این اهداف با رعایت قوانین و مقررات مربوط به واحد اقتصادی سر و کار دارد. این شیوه گروه‌بندی امکان تمرکز بر جنبه‌های متمایز و جداگانه کنترل داخلی را فراهم می‌آورد. این گروه‌های متمایز در عین حال مشترک الوجود، نیازهای مختلف را بازتاب می‌دهند و ممکن است هر یک از آنها مسئولیت مستقیم یکی از مدیران اجرایی باشد.

اجزای کنترل داخلی

کنترل داخلی از پنج قسمت مرتبط به هم تشکیل می‌شود. این اجزاء از شیوه مدیریت واحدهای اقتصادی سرچشمه می‌گیرند و با فرآیند مدیریت آمیخته می‌شوند. این اجزاء عبارتند از:

۱- محیط کنترلی- کارکنان واحد اقتصادی و محیط فعالیت آنها اساس واحد اقتصادی را تشکیل می‌دهند. در محیط کنترلی صفات فردی کارکنان شامل درستکاری، فضایل اخلاقی و صلاحیت باید مد نظر قرار گیرد.

۲- ارزیابی ریسک- واحدهای اقتصادی باید از ماهیت ریسک‌های فراوری خود آگاهی کافی داشته باشند و درمصادف با آنها به بهترین نحو عمل کنند.

۳- فعالیت‌های کنترلی- برای اطمینان از اثر بخشی اقداماتی که مدیریت برای مقابله با ریسک‌های مرتبط با تحقق اهداف الزامی کرده است باید خط مشی‌ها و رویه‌های کنترلی طراحی و اجرا شوند.

۴- اطلاعات و ارتباطات- سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی بفعالیتهای کنترلی حاکم هستند. واحد اقتصادی به کمک این سیستم‌ها می‌تواند اطلاعات لازم را برای اجرا، اداره و کنترل عملیات گردآوری و مبادله کند.

۵- نظارت- نظارت بر فرآیند کنترل داخلی و انجام اصلاحات لازم، امری بسیار مهم و کارساز است. سیستم تحت نظارت می‌تواند به صورت پویا از خود واکنش نشان دهد و در شرایط متغیظ تغییر کند. واحدهای اقتصادی و نیازهای کنترلی آنها به لحاظ صنعت، اندازه، فرهنگ و فلسفه مدیریتی به نحو چشمگیر متفاوت هستند. بنابراین حتی دو واحد اقتصادی را نمی‌توان یافت که از سیستم کنترل داخلی یکسان برخوردار باشند.

محیط کنترلی

محیط کنترلی با تاثیر بر وجدان کنترلی کارکنان، جو عمومی واحد اقتصادی را شکل می‌دهد. نظم و انضباط وبستری که محیط کنترلی در واحد اقتصادی پدید می‌آورد، پایه و اساس سایر اجزای کنترل داخلی را شکل می‌دهد. عوامل محیط کنترلی عبارتند از: درستکاری، ارزش‌های اخلاقی و صلاحیت کارکنان، فلسفه و سبک عملیاتی مدیریت، روش مدیریت برای تفویض اختیار و تعیین مسئولیت و شیوه سازماندهی و ارتقای کارکنان و رهنمودهای ارائه شده توسط هیأت مدیره.

محیط کنترلی از پیشینه و فرهنگ واحد اقتصادی تاثیر می‌پذیرد. محیط کنترلی بر وجدان کنترلی کارکنان تاثیر می‌گذارد. واحدهای اقتصادی که بخوبی تحت کنترل هستند افرادی با صلاحیت و شایسته را به کار می‌گمارند، رفتار درست و وجدان کنترلی را ترویج می‌دهند و جو اخلاقی عالی و سالمی را به وجود می‌آورند. آنها خط مشی‌های مناسبی را طراحی می‌کنند که اغلب شامل یک دستورالعمل مکتوب است و بکارگیری آن، کار گروهی و ارزش‌های مشترک را در راستای تحقق اهداف واحد اقتصادی ترویج و تقویت می‌کنند.

ارزیابی ریسک

واحدهای اقتصادی با انواع ریسک‌های برخاسته از عوامل درون سازمانی یا برون سازمانی روبرو هستند که باید آنها را ارزیابی کنند. یکی از پیش شرط‌های لازم برای ارزیابی ریسک، تعیین اهدافی است که در سطوح مختلف به هم پیوند خورده‌اند و از سازگاری

۴- کنترل‌های فیزیکی: حفاظت تجهیزات و موجودی‌های کالا، اوراق بهادار، وجوه نقد و سایر دارایی‌ها و شمارش ادواری موجودی‌ها و مقایسه آنها با اسناد و مدارک مربوطه از جمله کنترل‌های فیزیکی معمول در اکثر واحدهای اقتصادی است.

۵- شاخص‌های عملکرد: برقراری ارتباط بین مجموعه‌های متفاوت داده‌ها - عملیاتی یا مالی - همراه با تجزیه و تحلیل روابط آنها و رسیدگی‌ها و اقدامات اصلاحی از انواع فعالیت‌های کنترلی به حساب می‌آیند.

۶- تفکیک وظایف: تقسیم یا تفکیک وظایف، ریسک اقدامات اشتباه یا نادرست را کاهش می‌دهد.

اطلاعات و ارتباطات

در کنترل داخلی اطلاعات مربوط باید شناسایی، گردآوری و نهایتاً از نظر شکل و چارچوب زمان بگونه‌ای گزارش شود که کارکنان را در ایفای مسئولیت‌هایشان یاری دهد. سیستم‌های اطلاعاتی، گزارش‌هایی حاوی اطلاعات عملیاتی، مالی و رعایتی تهیه می‌کنند که امکان اداره و کنترل واحدهای اقتصادی را فراهم می‌کنند. سیستم‌های اطلاعاتی نه تنها داده‌های تهیه شده در سازمان، بلکه با اطلاعات مربوط به رویدادها، فعالیت‌ها و شرایط برون سازمانی که لازمه تصمیم‌گیری تجاری آگاهانه و گزارش‌دهی برون سازمانی هستند، سر و کار دارند.

کلیه واحدهای اقتصادی باید اطلاعاتی مربوط به پیرامون رویدادها و فعالیت‌های درون سازمانی و برون سازمانی، اعم از مالی و غیرمالی، را جمع‌آوری کنند. مدیریت باید اطلاعات مربوط برای اداره فعالیت‌های تجاری را مشخص کند. شکل و چارچوب زمانی ارسال اطلاعات برای اشخاص ذیربط باید به گونه‌ای باشد که آنها را در انجام مسئولیت‌های کنترلی و دیگر مسئولیت‌هایشان یاری کند.

نظارت

نظارت، فرآیندی است که کیفیت عملکرد سیستم را به‌طور مداوم ارزیابی می‌کند. نظارت از طریق فعالیت‌های نظارتی مستمر، ارزیابی‌های موردی، یا ترکیبی از این دو انجام می‌شود. نظارت مستمر در روال عادی عملیات اعمال می‌شود و شامل فعالیت‌های مدیریتی و سرپرستی معمول و دیگر اقداماتی است که کارکنان برای ایفای وظایف خود انجام می‌دهند. دامنه و دفعات ارزیابی‌های موردی، اساساً به ارزیابی ریسک‌ها و اثر بخشی رویه‌های نظارتی مستمر بستگی دارد. کارکنان باید نارسایی‌های کنترل داخلی را براساس سلسله مراتب سازمانی به رده‌های بالاتر و در صورت مشاهده مسائل جدی و حاد آنها را مستقیماً به مدیریت عالی و هیأت مدیره گزارش کنند.

سیستم‌های کنترل داخلی با گذشت زمان تغییر می‌کنند. راه و روش بکارگیری کنترل‌ها نیز ممکن است دگرگون شود. رویه‌های اثر بخش ممکن است با گذشت زمان اثر بخشی خود را از دست بدهند، یا

درونی برخوردارند. ارزیابی ریسک به معنای شناسایی و تجزیه و تحلیل ریسک‌های مرتبط با دستیابی به اهداف واحد اقتصادی است و مبنای منطقی برای چگونگی اداره و مهار ریسک‌ها فراهم می‌سازد.

کلیه واحدهای اقتصادی، صرف نظر از اندازه، ساختار، ماهیت یا صنعت، در تمام سطوح سازمانی با ریسک‌های گوناگونی برخورد می‌کنند. ریسک‌ها بر توان واحدهای اقتصادی برای ادامه حیات، رقابت موفق در عرضه صنعت، حفظ قدرت مالی، کسب اعتبار نزد عموم، حفظ کیفیت محصولات و خدمات و روحیه کارکنان اثر می‌گذارد. تاکنون روشی عملی برای کاهش ریسک‌ها تا سرحد صفر یافت نشده است. در واقع دست زدن به فعالیت‌های تجاری اساساً متضمن پذیرش ریسک است. مدیریت باید بطور معقول میزان ریسک قابل پذیرش را تعیین و سعی کند در عمل ریسک را در محدوده تعیین شده مهار نماید.

تعیین اهداف یکی از پیش نیازهای ارزیابی ریسک است. بدیهی است که مدیریت پیش از شناسایی ریسک‌ها، باید اهداف را تعیین نماید. بنابراین هدف گذاری یکی از اجزای اصلی فرآیند مدیریت است. هر چند تعیین اهداف بخشی از کنترل داخلی نیست، اما پیش‌نیازی برای ایجاد و تقویت کنترل‌های داخلی است.

فعالیت‌های کنترلی

فعالیت‌های کنترلی، خط مشی‌ها و رویه‌هایی هستند که مدیریت به کمک آنها از انجام دستورات و رهنمودهایش اطمینان می‌یابد. به کمک این فعالیت‌ها می‌توان از انجام اقدامات لازم برای رویارویی با ریسک‌هایی که دستیابی به اهداف واحد اقتصادی را تهدید می‌کنند، اطمینان حاصل کرد. فعالیت‌های کنترلی دامنه بسیار متنوعی از فعالیت‌ها نظیر تصویب، صدور مجوز، رسیدگی، تطبیق یا مقایسه، بررسی نتایج عملکرد، حفاظت دارایی‌ها و تفکیک وظایف را دربرمی‌گیرد.

فعالیت‌های کنترلی را می‌توان برحسب اهدافشان (اهداف عملیاتی، گزارش‌دهی و رعایت مقررات) به ترتیب زیرگروه‌بندی کرد:

۱- بررسی‌های مدیریت عالی: این بررسی‌ها برای مقایسه عملکرد با بودجه‌ها، پیش‌بینی‌ها، عملکرد دوره‌های گذشته و عملکرد رقبا انجام می‌پذیرد.

۲- مدیریت مستقیم فعالیت‌ها یا کارکردها: مدیران مسئول فعالیت‌ها یا کارکردها، با دقت گزارش‌های عملکرد را بررسی می‌کنند.

۳- داده‌پردازی: برای اطمینان یافتن از درست، کامل و مجاز بودن معاملات، کنترل‌های مختلفی اعمال می‌شوند، ورودی‌های سیستم در معرض کنترل‌های ویرایشی قرار می‌گیرند یا با دستورالعمل‌ها و این‌نامه‌های مصوب مطابقت داده می‌شوند.

اساساً اجرا نشوند. افزون بر این، ممکن است با تغییر در شرایطی که سیستم کنترل داخلی متناسب با توان طراحی گردیده است توانایی سیستم برای شناسایی و مقابله با ریسک‌های برخاسته از شرایط جدید کاهش یابد. بنابراین، مدیریت باید به تداوم اثر بخشی سیستم کنترل داخلی و توان آن برای رویارویی با ریسک‌های برخاسته از شرایط جدید، توجه کافی مبذول دارد.

محدودیت‌های کنترل داخلی

محدودیت‌های ذاتی سیستم‌های کنترل داخلی، تحقق اهداف واحد اقتصادی را تهدید می‌کنند. احتمال قضاوت‌های نادرست انسان به هنگام تصمیم‌گیری و از کار افتادن کنترل داخلی به دلیل نقص‌ها و ضعف‌های انسانی (خطا و اشتباه) نمونه‌هایی از این محدودیت‌ها هستند. در بررسی محدودیت‌های کنترل داخلی باید به دو مفهوم متمایز زیر توجه داشت:

اول، کنترل داخلی - حتی اگر اثر بخش باشد - بسته به نوع هدف، در سطوح مختلفی از اثر بخشی عمل می‌کند. مدیریت به کمک کنترل داخلی از میزان دستیابی به اهداف عملیاتی واحد اقتصادی - مانند تحقق رسالت اصلی سازمان، سودآوری مورد انتظار و نظایر آن - آماده می‌شود. اما مدیریت به کمک کنترل داخلی حتی نمی‌تواند از تحقق این دسته از اهداف، اطمینان معقول کسب کند.

دوم، کنترل داخلی به هیچ وجه نمی‌تواند از تحقق هر یک از سه گروه اهداف، اطمینان مطلق به دست دهد.

مجموعه محدودیت‌های اول ناظر بر این امر است که بعضی رویدادها و شرایط وجود دارند که از کنترل مدیران واحدهای اقتصادی کاملاً خارج هستند.

نقش‌ها و مسئولیت‌ها

مدیریت مسئول اصلی و نهایی سیستم کنترل داخلی است و باید او را « مالک »، سیستم دانست. هر چند کلیه کارکنان مدیریتی در امر کنترل واحدهای خود، نقش‌های مهمی بازی می‌کنند و باید در قبال کنترل فعالیت‌های واحدشان پاسخگو باشند، اما مسئولین حسابداری و مالی، محور اصلی برقراری کنترل‌ها هستند. گرچه حسابرسان داخلی به تداوم اثر بخشی سیستم کنترل داخلی کمک می‌کنند ولی مسئول اصلی ایجاد یا حفظ آن نیستند. هیأت مدیره و کمیته حسابرسی، بر سیستم کنترل داخلی نظارت کلی دارند. بعضی اشخاص

برون سازمانی، مانند حسابرسان مستقل، غالباً به تحقق اهداف واحد اقتصادی کمک می‌کنند و اطلاعات ارزنده‌ای برای رفع نارسایی‌های سیستم کنترل داخلی ارائه می‌نمایند. این اشخاص بخشی از سیستم کنترل داخلی نیستند و در زمینه اثر بخشی آن مسئولیتی بر عهده ندارند.

کنترل‌های حاکم بر سیستم‌های اطلاعاتی

اکثر واحدهای اقتصادی، شامل شرکت‌های کوچک یا واحدهای فرعی شرکت‌های بزرگ، برای داده‌پردازی

از رایانه استفاده می‌کنند. در سیستم‌های اطلاعاتی از دو گروه فراگیر فعالیت‌های کنترلی می‌توان استفاده کرد. گروه اول، کنترل‌های عمومی می‌باشند که در اکثر سیستم‌های کاربردی (نه در تمام آنها) به کار می‌روند و به کمک آنها از بکارگیری درست و مستمر این سیستم‌ها اطمینان حاصل می‌شود. گروه دوم، کنترل‌های کاربردی هستند که کلیه فعالیت‌های تعبیه شده در نرم‌افزارهای کاربردی و روش‌های دستی کنترل داده‌پردازی را در برمی‌گیرند.

کنترل‌های عمومی بطور معمول شامل کنترل‌های حاکم بر عملیات مرکز داده‌ها، تحصیل و نگهداشت نرم‌افزارها، کنترل‌های دسترسی و ایجاد و نگهداشت سیستم کاربردی می‌شوند. این کنترل‌ها برای همه سیستم‌ها، رایانه‌های بزرگ، رایانه‌های متوسط و کاربر نهایی لازم است.

کنترل‌های کاربردی به منظور کنترل پردازش نرم‌افزارهای اجرایی طراحی می‌شوند و به کمک آنها از کامل بودن و صحت پردازش، تصویب و اعتبار معاملات اطمینان حاصل می‌شود. برای حصول اطمینان از دریافت تمام داده‌ها و توزیع مناسب کلیه اطلاعات خروجی، باید به رابط‌های کاربردی توجه خاص مبذول داشت، چرا که آنها اغلب به سیستم‌های دیگر متصل بوده و اینها نیز نیازمند کنترل هستند.

حسابرسان داخلی

حسابرسان داخلی مستقیماً کنترل‌های داخلی را بررسی می‌کنند و در صورت مشاهده نارسایی‌ها و ضعف‌های پیشنهادها لازم را برای اصلاح و بهبود ارائه می‌دهند. طبق استانداردهای انجمن حسابرسان داخلی (۱)، دامنه فعالیت حسابرسی داخلی باید شامل بررسی و ارزیابی کفایت و اثربخشی سیستم کنترل داخلی و نیز بررسی کیفیت عملکرد کارکنان در انجام مسئولیت‌های محوله باشد. براساس این استانداردها، حسابرسان داخلی باید کارهای زیر را انجام دهند:

۱) بررسی قابلیت اعتماد و صحت اطلاعات مالی و عملیاتی، و روش‌های مورد استفاده برای شناسایی، اندازه‌گیری، طبقه‌بندی و گزارش این اطلاعات.

۲) بررسی سیستم‌های ایجاد شده برای حصول اطمینان از رعایت خط مشی‌ها، برنامه‌ها، رویه‌ها، قوانین و مقرراتی که می‌توانند بر عملیات و گزارش‌ها تأثیری چشمگیر داشته باشد.

۳) بررسی روش‌های حفاظت دارایی‌ها و در صورت لزوم اثبات وجود آنها.

۴) ارزیابی صرفه اقتصادی و کارایی منابع بکار رفته. ۵) بررسی عملیات با برنامه‌هایی برای حصول اطمینان از سازگاری نتایج واقعی با اهداف و نیز اجرای آنها طبق برنامه‌ریزی به عمل آمده.

کلیه فعالیت‌های واحد اقتصادی، بطور بالقوه در حوزه مسئولیت حسابرسان داخلی قرار دارند. در برخی واحدهای اقتصادی، واحد حسابرسی داخلی عمدتاً به کنترل‌های حاکم بر عملیات توجه دارد. برای

اطلاعات، اقدامات لازم را برای تحقق اهداف تعیین شده اتخاذ می‌کند.

- گزارش نارسایی‌های مشاهده شده در کنترل داخلی و ارائه پیشنهادات لازم برای بهبود سیستم کنترل داخلی.

این اطلاعات علاوه بر فعالیت‌های گزارش دهی مالی، به فعالیت‌هایی عملیاتی و رعایت قوانین و مقررات نیز مربوط می‌شود و می‌تواند در تحقق اهداف واحد اقتصادی (در هر یک از این زمینه‌ها) سهم مهمی داشته باشد. حسابرسان مستقل این اطلاعات را به مدیریت گزارش می‌کنند و در صورت مشاهده مسائل مهم، آنها را به هیأت مدیره و کمیته حسابرسی اطلاع می‌دهند.

(1) The Institute of Internal Auditors

مثال، حسابرسان داخلی ممکن است به صورت ادواری به فعالیت‌هایی نظیر کنترل کیفیت محصول، بررسی تحویل به موقع کالاها به مشتریان یا کارآیی سرمایه‌گذاری اولیه بپردازند. در موارد دیگر، واحد حسابرسی داخل ممکن است توجه خود را در وهله اول به فعالیت‌های مرتبط با گزارش دهی و رعایت قوانین و مقررات معطوف کند.

جایگاه سازمانی و اختیارات حسابرسان داخلی موارد زیر را ایجاب می‌کند:

- امکان گزارش دهی به شخصی که از اختیارات کافی برخوردار است.
- عزل و نصب مدیر حسابرسی داخلی فقط با موافقت هیأت مدیره یا کمیته حسابرسی.
- دسترسی بی‌قید و شرط به هیأت مدیره یا کمیته حسابرسی.
- برخورداری از اختیار کافی برای پیگیری یافته‌ها و پیشنهادات خود.

حسابرسان داخلی در صورتی بی‌طرفانه عمل می‌کنند که به هنگام قضاوت درباره موضوعات مورد حسابرسی، از قضاوت‌های دیگران تأثیر نپذیرند. انتخاب کارکنانی مناسب و با صلاحیت برای حسابرسی داخلی، ضامن اصلی عینی بودن عملکرد آنهاست. انتخاب آنها باید به گونه‌ای صورت گیرد که از تضاد منافع و سخت‌گیری‌های بالقوه و بالفعل جلوگیری شود. کارکنان حسابرسی داخلی باید به طور ادواری تعویض شوند و نباید مسئولیت‌های عملیاتی به آنها محول شود. به همین ترتیب، حسابرسان داخلی نباید به حسابرسی فعالیت‌هایی گمارده شوند که قبلاً در حیطه وظایف عملیاتی آنها قرار داشته‌است.

حسابرسان مستقل

شاید نقش هیچ‌یک از اشخاص برون سازمانی که به نحوی در تحقق اهداف گزارش دهی مالی مشارکت دارند به اندازه حسابرسان مستقل مهم نباشد. آنها نظری بی‌طرفانه، مستقل و در عین حال منحصر به فرد ابراز و در تحقق اهداف گزارش دهی مالی و دیگر اهداف واحد اقتصادی مشارکت می‌کنند.

حسابرس مستقل پس از حسابرسی صورت‌های مالی، درباره مطلوبیت ارائه صورت‌های مالی و انطباق آنها با اصول پذیرفته شده حسابداری اظهار نظر، و بدین‌سان در تحقق اهداف گزارش دهی مالی مشارکت می‌کنند. با این که سیستم کنترل داخلی واحد اقتصادی می‌تواند درباره ارائه مطلوب صورت‌های مالی اطمینانی معقول فراهم آورد، اما گزارش حسابرس بر میزان این اطمینان می‌افزاید. افزون بر این، حسابرس غالباً اطلاعاتی را برای مدیران فراهم می‌کند که در هدایت و ایفای مسئولیت‌های کنترلی آنها سودمند است.

در واقع در اکثر موارد، حسابرسان صورت‌های مالی، اطلاعاتی را به مدیریت می‌دهند که آنها را در انجام مسئولیت‌های کنترلی‌شان یاری می‌کند. این کار به شکل زیر انجام می‌شود:

- گزارش یافته‌های حسابرسی، اطلاعات تحلیلی و پیشنهادات به مدیریت. مدیریت با استفاده از این